مطالعهٔ تطبیقی نگاره‌های معراج
حضرت محمد (ص) و نقاشی‌های
عروج حضرت عیسی (ع)

«معراج پیامبر (ص)»، شرف‌نامه
نظامی، اوایل قرن ۱۷م، مأخذ: کتابخانه
ملی فرانسه

فصلنامهٔ علمی- پژوهشی نگره

مطالعهٔ تطبیقی نگاره‌های معراج حضرت محمد (ص) و نقاشی‌های عروج حضرت عیسی (ع)

مرضیه علی‌پور* محسن مراثی**

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۷/۷

چکیده

نگاره‌های با موضوع معراج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از مهمترین آثار تصویری با مضمون دینی در نقاشی‌های ایرانی و مسیحی است. هدف از بازگویی معراج این دو پیامبر (ص) در قرآن، علاوه بر تکریم و بزرگداشت شخصیت آنها، اشاره به گوشه‌ای از قدرت بی پایان الهی است. مهمترین مساله مشترک بین هر دو عروج این است که هر دو آن بزرگواران در بیداری و با جسم و روح به معراج رفتند. این پژوهش بر اساس روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدهٔ آثار به بررسی نگاره‌های عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از لحاظ عناصر تصویری و ساختاری می‌پردازد تا ضمن شناسایی وجوه تشابه و تفاوت بین آنها، احتمال تأثیر و تاثر آنها را از یکدیگر مشخص نماید. شناخت عمیق از نگاره‌های معراج و کشف روابط و دامنه تأثیر و تاثرات هنر اسلامی و مسیحی از اهداف اصلی تحقیق است. عدم توجه به نگاره‌های دینی و موضوعات مشترک در تاریخ هنر ادیان انجام این تحقیق را ضروری می‌نماید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تشابهات ساختاری و تصویری بین نگاره‌های معراج حضرت رسول اکرم (ص) و عروج حضرت عیسی (ع)، صرفا به دلیل موضوع مشترک عروج نبوده، بلکه توجه به تاریخ متأخرتر برخی از نگاره‌های معراج پیامبر (ص) نسبت به نگاره‌های عروج عیسی (ع) احتمال تأثیرپذیری آنها از عناصر تصویری موجود در شمایل‌نگاری مسیحی را قوت می‌بخشد. با وجود تأثیرپذیری اکثر معراج‌نگاره‌های ایرانی از نقاشی‌های مسیحی، در مواردی نیز تأثیرگذاری نگاره‌های معراج به گونه‌ای متقابل در نقاشی‌های عروج حضرت عیسی (ع) هویدا می‌شود، به گونه‌ای که عناصر و نحوه چیدمان برخی از معراجیه‌ها در نمایش نحوه عروج مسیح (ع) نفوذ یافته است.

واژگان کلیدی

معراج، نگارگری ایرانی، نقاشی مسیحی، حضرت محمد (ص)، حضرت عیسی (ع).

* دانشجوی دکتری تاریخ تطبیقی تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران.
Email:marziealipoor@yahoo.com
** استادیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، شهر تهران، استان تهران (نویسنده مسئول) Email:marasy@shahed.ac.ir

مقدمه

در ادیان الهی عقیده به عروج به ماوراء ماده یا معراج وجود داشته است؛ ولیکن درباره جزییات و چگونگی آن در میان آنها اختلاف نظر است. برخی نشان دادن ملکوت آسمان‌ها و زمین به حضرت ابراهیم (ع) و میقات موسی (ع) با پروردگار را معراج ایشان دانسته اند و عده‌ای در عهد عتیق و جدید نیز سفر روحانی برخی از پیامبران بنی اسرائیل مانند سفرهای ایلیا، حزقیل، اشعیا به آسمان و یا سفر روحانی پولس رسول به آسمان سوم و یا عروج ادریس در یهودیت را جزو معراج‌ها فرض کرده‌اند. اما هیچ‌یک از این موارد مشابه معراج پیامبر (ص) و عروج عیسی (ع) نیست، چرا که معراج آنها صرفاً به یک سفر روحانی خلاصه نمی شود، بلکه بر اساس آیات و روایات عروج این دو بزرگوار عروج جسمانی و روحانی است. عروج این دو پیامبر الوالعزم از جمله مفاهیم عمیق ادیان مسیحی و اسلام است که در هنر نگارگری، بسیار به آنها پرداخته شده و در هر دوره‌ای هنرمندان مسیحی و اسلامی و حامیان شان سعی در به تصویر کشیدن این حادثه عظیم داشته‌اند. البته آثار موجود از نقطه نظر ظهور عناصر بصری و تصویری از روندی یکسان برخوردار نبوده و نگارگرانی که به تصویرسازی این موضوعات پرداخته‌اند اهداف گوناگونی داشته‌اند، به این منظور زبان بصری آنها نه تنها تداوم میراث تصویری است، بلکه بیش از هر چیز موید تأثیرگذاری افق فکری و فرهنگی هر دوره‌ای و سبک غالب آن است. سوالات اصلی این تحقیق این است که ۱. نگاره‌های عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از لحاظ عناصر تصویری و ساختاری چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ و ۲. تأثیر و تأثر احتمالی این نگاره‌ها از یکدیگر چگونه تحلیل می‌شود؟ از اهداف اصلی پژوهش شناخت عمیق از نگاره‌های معراج و کشف روابط و دامنه تأثیر و تاثرات هنر اسلامی و مسیحی از یکدیگر است. برای تحقق این اهداف آشنایی با عناصر تصویری و ساختاری موجود در دو شیوه نقاشی ایرانی و مسیحی و مطالعه آثار هنرمندان آنها ضرورت می‌یابد.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس ماهیت و روش از نوع توصیفی تحلیلی و با رویکرد تطبیقی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده آثار بوده است. در ابتدا با مراجعه به متون نحوه عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) بررسی شده ، سپس بر اساس اهداف پژوهش تصاویر انتخابی مشابه از این دو سبک نگارگری ایرانی و نقاشی مسیحی با مضمون معراج از لحاظ عناصر تصویری (پیکره پیامبر (ص)، عیسی (ع)، فرشتگان، براق، آسمان، ابر، هاله تقدس) و ساختاری (نحوه نمایش موقعیت این پیامبران در تصویر و نسبت به سایرین) مورد مطالعه قرار

تصویر۱.«ظهور جبرئیل در خوابگاه پیامبر (ص)»، معراجنامه میرحیدر، نیمه اول قرن ۱۵م، مأخذ: کتابخانه ملی پاریس

داده شده است تا ضمن شناسایی وجوه تشابه و تفاوت بین نگاره ها، احتمال تأثیر و تاثر آنها از یکدیگر مشخص شود. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی است و مطابق با اصول روش کیفی از نمونه گیری انتخابی نظری استفاده شده است. انتخاب گستره وسیع زمانی و مکانی این امکان را برای پژوهشگران فراهم نموده تا موارد تشابه را در قالب پژوهش اکتشافی مورد مطالعه قرار دهند.

پیشینه تحقیق

اگرچه در میان آثار نگارگری ایرانی و مسیحی، واقعه عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است ولی تاکنون مطالعه مستقلی در خصوص تطبیق تصاویری با این موضوع انجام نشده است. صداقت (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع التواریخ»، با توجه به تحولات نگارگری قرن ۸ ه.ق، نسخه جامع التواریخ را با توجه به مضامین مذهبی اش مورد بررسی قرار می‌دهد. بر اساس مطالعه نگاره‌های این نسخه عناصر چینی و بیزانسی در آنها مشاهده می‌شود و بدین نتیجه دست می‌یابد که تحولات اقتصادی و اجتماعی آن دوره بر روی هنر نگارگری و نسخه پردازی نیز موثر بوده است. علاوه براین شایسته‌فر (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی موضوعی شمایل‌نگاری پیامبر اسلام در نگارگری دوره ایلخانی و حضرت مسیح در نقاشی مذهبی بیزانس متاخر» نگاره‌هایی از دوره ایلخانی و اروپای قرون وسطی را مورد مقایسه قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که برخی عناصر و سنت‌های مسیحی به لحاظ کادربندی، ترکیب بندی و رنگ ها، نوع پردازش جامه و غیره در خدمت نگارگری نسخ مصور آثارالباقیه و جامع التواریخ درآمده است. جوانی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی مضامین رویایی مقدسین و بشارت در معراج نامه تیموری و آثار فرا آنجلیکو» با بررسی ساختارگرایانه این آثار از نظر درون مضمونی و برون بینامتنی در یک بازه زمانی مشترک، متوجه می‌شود که مضامین و اعتقادات تقریبا

تصویر ۲. «آلام مسیح در باغ جستیمانی»، (تمپرا روی بوم چوبی)، لرنزو ماناکو، قرن ۱٤ م، مأخذ: www.scalarchives.it

مشابه در دو فرهنگ دینی اسلامی و مسیحی، تأثیر و تاثر این دو هنرمند از یکدیگر را محتمل می‌سازد. پژوهش حاضر ضمن بررسی نگاره‌هایی از عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از لحاظ عناصر تصویری و ساختاری، تأثیرپذیری اکثر معراج نگاره‌های ایرانی از نقاشی‌های مسیحی و در مواردی نیز تأثیرگذاری نگاره‌های معراج به گونه‌ای متقابل در نقاشی‌های عروج حضرت عیسی (ع) را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تعاریف و مباحث نظری پژوهش

عروج

عروج به آسمان‌ها همواره از دغدغه‌های بشریت بوده و «جدایی و تقابل دنیای خدایان و دنیای آفریدگان، انسان را

تصویر۳. «معراج پیامبر (ص)»، جامع التواریخ رشیدی، اوایل قرن قرن ۱٤م، مأخذ: کتابخانه ادینبرو

به این تفکر وا داشته است که چگونه می‌تواند پیش از مرگ به دنیای خدایان راه یابد و اسرار و رموز آن را کشف نماید. این آرمان موجب شد تا در هر منطقه و در میان هر قوم و قبیله‌ای از جمله کیش هندو، یونانی و مزدایی مجموعه‌ای از باورها و آیین‌ها برای عروج به عوالم ماورائی بنیان گذاشته شود و انسان به واسطه این آیین ها، خود را در دنیای خدایان سهیم بداند» (دهقان، ۱۳۹۰: ۹۲). عروج و ملاقات‌های هفتگانه زردشت با اهورامزدا و امشاسپندان، عروج گشتاسپ، عروج کرتیر- وزیر شهیر دوره ساسانی - و عروج ارداویراف نمونه‌هایی از این اندیشه در کیش ایرانی هستند (تفضلی، ۱۳۷٦: ۳٤) در ادیان الهی نیز عقیده به عروج به ماوراء ماده یا معراج وجود داشته است؛ ولیکن درباره جزییات و چگونگی آن در میان آنها اختلاف نظر است. برخی نشان دادن ملکوت آسمان‌ها و زمین به حضرت ابراهیم (ع) و میقات موسی (ع) با پروردگار را معراج ایشان دانسته اند. در عهد عتیق و جدید نیز سفر روحانی برخی از پیامبران بنی اسرائیل مانند سفرهای ایلیا، حزقیل، اشعیا به آسمان و یا سفر روحانی پولس رسول به آسمان سوم و یا عروج ادریس در یهودیت جزو معراج‌ها آمده است (رضایی، ۱۳۹۱: ۱٤۱)، اما هیچ یک از اینها مشابه معراج پیامبر (ص) و عروج عیسی (ع) نمی باشد، چرا که معراج آنها صرفا به یک سفر روحانی خلاصه نمی شود، بلکه بر اساس آیات و روایات عروج این دو بزرگوار عروج جسمانی و روحانی تواما است. به نظر کوپر، معراج «مظهر استعلاء، عبور از موانع و رسیدن به سطح هستی شناسانه جدید و برتری جستن از قلمرو انسانی صرف، راهی به سوی وجود حقیقی و هستی مطلق، یگانگی مجدد، اتحاد جان با الوهیت، صعود جان، گذر از زمین به آسمان، از تاریکی به روشنایی و آزادی است.» (کوپر، ۱۳۸۰: ۳۵۳)

معراج پیامبر (ص)

معراج پیامبر (ص) از مفاهیم بنیادین فرهنگ اسلامی

است و بر اساس روایات متواتر اثبات آن روشن است (طباطبایی،۱٤۱۷ق، ج ۱۳: ۳۲) و برخی اعتقاد به معراج را از ضروریات دین می‌دانند و انکار آن را کفر تلقی می‌کنند[۱] (مجلسی،۱۳٦۲: ۱٦). آیاتی که به معراج پیامبر (ص) اشاره دارند، آیه اول سوره «اسراء» است که به بخش اول معراج مسجدالحرام تا مسجدالقصی و آیات ۱۳–۱۸ سوره «نجم» که بر بخش دوم معراج حضرت محمد (ص) یعنی سیر آسمانی و رسیدن به سدره المنتهی و مقام قاب قوسین الهی دلالت دارد (مکارم شیرازی،۱۳۷٤، ج۱۲) و حضرت علی (ع) نیز برای اثبات معراج از این آیات استفاده کرده اند (مجلسی،۱۳٦۲، ج ۱۸: ۲۹۲– ۲۹۱) بر اساس برخی روایات رسول خدا (ص) بیش از یک بار به معراج رفته اند؛ یک بار از مسجدالحرام و دیگری از خانه ام هانی بوده که آیات نخست سوره «نجم» آن را تأیید می‌کند. جبرئیل، میکائیل و اسرافیل در آن شب بر حضرت نازل شدند و مرکبی را که نامش براق بود برای ایشان آوردند و رسول خدا (ص) بر آن سوار شده و به سوی بیت المقدس حرکت کردند. پیامبر در میان راه در مدینه و مسجد کوفه، طور سینا و بیت اللحم «زادگاه حضرت عیسی (ع)» ایستادند و نماز خواندند، سپس وارد مسجدالاقصی شدند و در آنجا با ابراهیم، موسی و عیسی (ع) در میان عده زیادی از انبیاء ملاقات می‌کنند که همگی به همراه رسول الله (ص) نماز می‌گزارند. سپس پیامبر (ص) با همراهی جبرئیل از آسمان اول تا هفتم می‌روند و به جایی می‌رسند که جبرئیل از رسیدن به آن مقام عاجز بود و می‌گوید: «من اجازه ورود به این مکان را ندارم اگر به اندازهٔ سر انگشتی نزدیک تر شوم بال و پرم خواهد سوخت.» پس از آن حضرت به تنهایی به سدره المنتهی و مقام قاب قوسین «مقام قرب الهی» نایل می‌گردند (طباطبایی، ۱٤۱۷ق،ج۱۹).

عروج عیسی (ع)

بر اساس آیات قرآن حضرت عیسی (ع) به آسمان عروج نموده است و خداوند در دو سوره «آل عمران» و «نساء» به این موضوع می‌پردازد و از عروج عیسی (ع) با تعبیر «رفعه» در آیه ۱۵۸ سوره «نساء» و «رافعک» در آیه ۵۵ سوره «آل عمران» یاد می‌کند[۲] . لفظ «متوفی» در این آیه از ماده «توفی» به معنای گرفتن چیزی به طور تام و کامل است و با «فوت» فرق دارد. از این رو، این آیه سوره «آل عمران» : «من تو را به آسمان بلند می‌کنم و بعد از فرود آمدن به زمین می‌میرانم» (ابن منظور، ۱٤۱٦ق،ج ۱۵: ۳۵۹). موضوع عروج عیسی (ع) استنباط می‌گردد. چون کشتن عیسی (ع) و به دارآویختن او به طور کلی در قرآن تکذیب شده و با توجه به ظاهر آیه ۱۵۹ سوره «نساء» ، عیسی (ع) زنده است و نخواهد مرد تا زمانی که تمام اهل کتاب به او ایمان بیاورند. بنابراین، توفی عیسی (ع) به معنای گرفتن و نجات از دست یهود است[۳] (طباطبایی،۱٤۱۷ق،

تصویر ٤. بخشی از تصویر ۲، مأخذ: همان.

تصویر۵. «معراج پیامبر (ص)»، بوستان سعدی، نیمه اول قرن قرن ۱٦م، مأخذ: موزه متروپولیتن.

ج۳، ص۲۰۷ ؛ ج۵ : ۱۳۲). بر اساس روایات اسلامی، در شب عروج عیسی (ع) در مقابل یارانش از زاویه خانه به طرف آسمان بالا می‌رود و ناپدید می‌شود (قمی،۱٤۱۲ق، ج۱ :۱۱۱ ؛ طباطبایی، ۱٤۱۷ق، ج۳: ۲۱۸) و پس از چند روز برمی گردد (نویری، ۱۳٦۵، ج۹: ۳۲۷–۳۲٦) و بین زمین و آسمان قبض روح می‌شود، بعد به آسمان می‌رود و دوباره روحش به بدنش باز می‌گردد (مجلسی،۱۳٦۲، ج۱٤ :۳۳۹–۳۳۸) و برخی معتقدند در حال دویدن باد او را به آسمان می‌برد (رازی،۱۳۸۱، ج٤: ۳۵٤).

اما روایات متعددی در مسیحیت وجود دارد. عیسی(ع) در مورد مصلوب شدن خود و خیانت یکی از شاگردانش پیش گویی می‌کند (متا ۲٦: ٤۹–٤۵) و زمانی که او را دستگیر می‌کنند، شاگردان وی فرار می‌کنند و او را نزد کاهن اعظم می‌برند و او عیسی (ع) را به دلیل کفر مستوجب هلاکت می‌داند. صبح روز بعد، او را به صلیب می‌کشند و او از خداوند شکایت می‌کند و جان می‌سپارد و در شب یکی از شاگردانش جسد او را به قبری دیگر منتقل می‌کند[٤](همان۲٦: ۵۹–۵۷). صبح روز بعد گفتند چه کسی جسد را برداشته و جوانی به آنها گفت عیسی (ع) برخاست و به جلیل رفت، شما هم به آنجا بروید (مرقس ۱٦: ۷–۲). داستان نبودن جسد در قبر در همه جا منتشر شد. تمام اناجیل اربعه عیسی (ع) را مصلوب دانسته که پس از سه روز زنده شده و به آسمان رفته است، ولیکن

۱. بر اساس روایتی از امام صادق (ع) منکر معراج را از شمار شیعیان بیرون می‌دانند (مجلسی، ۱۳٦۲، ج ۱۸: ۳۱۲، ح۲۲؛ ص۳٤۰، ح ٤٤).

۲. «اذ قال الله یا عیسی انی متوفیک و رافعک الی...» (آل عمران/۵۵).

۳. آیه ۱۵۷ سوره «نساء» عروج جسمانی و روحانی عیسی (ع) را به اثبات می‌رساند و در مقام رد سخن یهودیان است که ادعا می‌کردند عیسی (ع) را مصلوب کردند. پس در چنین شرایطی گفتن این که او را میراندیم و به محلی دیگر منتقل کردیم یا او را رفع درجه دادیم، در رد سخن آنها نیست و با سیاق آیه نمی‌سازد (سبحانی،۱۳۷۵، ج۱۲ :٤۰۹). بنابراین با توجه به تفسیر این آیه عروج عیسی (ع) با جسم و روح بوده است.

٤. اما در انجیل برنابا ذکر شده، در پایان رسالت عیسی (ع) حسادت به او زیاد شد، به خصوص زمانی که فرمود پیامبر آخرالزمان از نسل اسماعیل (ع) است (برنابا۲۰۸: ۸–۷) رئیس کاهنان به اتهام این که عیسی (ع) تلاش می‌کند خود را پادشاه اسرائیل کند، تصمیم گرفتند او را بکشند (برنابا ۲۱۰: ۲۱–۳۱) عیسی (ع) با شاگردان سخن می‌گوید و آنها را نصیحت می‌کند (برنابا۲۱۱: ۱–۲: ۲۱۳: ۲۰–۲۱) و پیش گویی می‌کند که یکی از شما مرا تسلیم دشمنان می‌کند (همان۲٤:۲۱۳–۲۵ و برنابا۲۱۲:۳۰).

جدول ۱. مشخصات معراج حضرت محمد (ص) و عروج حضرت عیسی (ع). مأخذ: نگارندگان.

	حضرت محمد (ص)	حضرت عیسی (ع)
آیات قرآن	اسراء/۱و نجم/ ۱-۱۸	آل عمران/۵۵ و نساء/۱۵۸
نوع عروج	جسمانی و روحانی[1]	جسمانی و روحانی
زمان	شب ۱۷ رمضان سال سوم بعثت (مجلسی،۱۳۶۲، ج ۱۸، ص۳۰۲، ۳۷۹، ۳۸۵)	شب ۲۱ رمضان سال آخر نبوت (ابن بابویه،۱۳۷۴، ج۲: ۲۷۱)
مبدا	بیت المقدس در اورشلیم	کوه زیتون در اورشلیم
مقصد	مقام قاب قوسین و تقرب الهی	آسمان چهارم
نوع سیر	افقی و صعودی	افقی
راهنمای سفر	جبرئیل (مکارم شیرازی،۱۳۷۴، ج۲۲ :۴۸۷) با همراهی فرشتگان	با همراهی جبرئیل و میکائیل و عزراییل و اسرافیل (برنابا۲۱۵: ۴) و فرشتگان[2] (برنابا ۲۱۵: ۵-۶)
وسیله سفر	جبرئیل[3]، نوعی لانه پرنده (مجلسی،۱۳۶۲، ج ۱۸ ،ص۳۱۷: ۳۲)، براق(ابن بابویه، ۱۳۸۰،ج ۲، ص۲۳، باب ۲۱، ح ۴۹)، رفرف[5] (مجلسی،۱۳۶۲، ج۱۸، ص ۳۹۵، ص ۳۹۶-۳۹۵، ح۱۰۰)	دست راست خدا[4] (مرقس ۱۶: ۱۹)، جبرئیل و میکائیل و عزراییل و اسرافیل (برنابا۲۱۵: ۴)، ابر (اعمال حواریان۹:۱)، کوه طور و باد (رازی،۱۳۸۱، ج۴: ۳۵۴)
هدف سفر	مشاهده آیات بزرگ الهی، تکریم فرشتگان و آگاهی از وسعت جهان	اثبات نبوت، نجات از دست یهودیان
شرایط سفر	لطافت جسم (مبشر کاشانی،۱۳۹۱)	لطافت جسم (مبشر کاشانی،۱۳۹۱)
تعدادسفر	دو، شش و ۱۲۰ بار[6] (طباطبایی،۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۳۱)	یک بار
سن پیامبر	۴۳ سال	۳۳ سال(مجلسی،۱۳۶۲، ج ۱۴: ۲۴۷،ح۲۷)

نحوه صعود وی را متفاوت بیان کرده اند: «بعد از تکلم، خداوند (عیسی) با ایشان صعود نموده بر دست راست خدا بنشست» (مرقس۱۹-۱۶)، « از ایشان جدا گشته و به سوی آسمان بلند شد» (لوقا ۲۴ : ۱۵)، در پیش دیدگان آنها صعود نمود و ابر او را فراگرفته از چشم آنها پنهان کرد» (اعمال حواریان۹:۱).

اما در انجیل برنابا عیسی (ع) به دارآویخته نشد و به آسمان‌ها عروج کرده است. «وقتی که یهودا و لشکریان به آنجا رسیدند، شاگردان خواب بودند. پس خداوند فرشتگان خود را فرستاد تا عیسی (ع) را از جهان برگیرند. همین که خدا بنده خود را در خطر دید، جبرئیل و میکائیل و رافائیل(عزراییل) و اورویل (اسرافیل)، سفیران خود را امر فرمود که عیسی (ع) را از جهان برگیرند (برنابا ۲۱۵: ۴) و پس آن فرشتگان عیسی (ع) را از روزنه‌ای که مشرف به جنوب بود، برگرفتند و در آسمان سوم، در صحبت فرشتگانی که تا ابد خدای را تسبیح می‌کنند، گذاشتند (برنابا ۲۱۵: ۵-۶). عیسی (ع) با اجازه خداوند خواست که از آسمان سوم فرود آید تا مادر و شاگردان خود را ببیند و در خانه مادرش سه روز ماند و مومنین می‌توانستند او را ببینند (برنابا ۲۱۹: ۱۰-۱۳) و سپس عیسی (ع) حقیقت را بیان می‌کند که یهودا به شکل او در آمده بود» (برنابا ۲۲۰: ۱۱؛ ۲۲۱: ۱۴-۱۱). در روز سوم عیسی (ع) فرمود: « بروید با مادرم به کوه زیتون؛ زیرا من از آنجا دوباره به آسمان صعود می‌نمایم. در آنجا خواهید دید چه کسانی مرا برمی دارند» (برنابا ۲۲۱: ۸-۱۰). بنابراین عیسی (ع) زنده به آسمان رفته است. از این رو، انجیل برنابا در این باره با آیات و روایات اسلامی منطبق است. بنابراین آیات و روایات اسلامی و تمام اناجیل مسیحی

۱. معراج پیامبر (ص) روحانی و جسمانی است و مهمترین دلیل برای اثبات این نظر، واژهٔ «عبد» در آیه اول سوره اسراء است (طوسی،۱۴۱۹ق، ج ۶: ۴۴۶؛ ج ۹ : ۴۲۴) زمانی که عبد درباره انسان بکار می‌رود، مجموعه جسم و روح مدنظر است (سبحانی،۱۳۷۵،ج۶:۱۷۷).

۲. همین که خدا بنده خود را در خطر دید، جبرئیل و میکائیل و عزراییل و اسرافیل، سفیران خود را امر فرمود که عیسی (ع) را از جهان برگیرند (برنابا۲۱۵: ۴) و پس آن فرشتگان عیسی (ع) را از روزنه‌ای که مشرف به جنوب بود، برگرفتند و در آسمان سوم، در صحبت فرشتگانی که تا ابد خدای را تسبیح می‌کنند، گذاشتند (برنابا ۲۱۵: ۵-۶)

۳. بنابر روایتی از امام صادق (ع) آمده: « همانا جبرئیل پیامبر خدا را برداشت و برد تا او را به جایی از آسمان رساند. آن گاه او را ترک کرد...» (شین دشتگل، ۱۳۸۴، ش۱۳: ۴۲) همچنین در تفسیر ابوالفتوح رازی قرن ۶ (ه.ق) که از تفاسیر معتبر اخبار معراجیه است، جبرئیل به عنوان مرکب پیامبر (ص) معرفی شده است. «آن گه که جبرئیل دست من بگرفت مرا به نزدیک آن سنگ برد که پایه معراج بر او نهاد بود. جبرئیل مرا از آن جا بر پرگرفت و بر آن معراج مرا به آسمان دنیا برد.»(رازی، ۱۳۹۸، ج ۷: ۱۶۸)

۴.«به دست راست خدا بنشست» (مرقس ۱۶: ۱۹)، « ابر او را فراگرفته و از چشم آنها پنهان کرد» (اعمال حواریان ۹:۱)، «برکوه طور ایستاد و جامه‌ای از موی بز بر تن داشت. پس باد شدیدی آمد و عیسی (ع) را با خود به آسمان برد.»(رازی، ۱۳۸۱، ج۴: ۳۵۴)

۵.براق (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ج ۲، ص۲۳، باب ۲۱، ح ۴۹)، و رفرف، ابتدای سفر تا سدره المنتهی براق مسئولیت بردن آن حضرت را داشت و از آنجا به بعد رفرف این وظیفه را داشت (مجلسی،۱۳۶۲، ج۱۸، ص ۳۹۵، ص ۳۹۶-۳۹۵، ح۱۰۰)

۶. دو، شش و ۱۲۰ بار، ولی علاوه بر روایات، آیه «و لقد رءاه نزله اخری» (نجم/۱۳) را دلیل دیگری بر دوبار بودن معراج دانسته‌اند(طباطبایی،۱۴۱۷ق،ج۱۹: ۳۱).

تصویر ٦. بخشی از تصویر ۲، مأخذ: www.scalarchives.it

تصویر۷. «حضرت محمد (ص) بر دوش جبرئیل بر فراز کوه‌های عجیب»، معراجنامه احمدموسی، قرن ١٤م، مأخذ: کتابخانه توپقاپی سرای استانبول

تصویر۸. «عروج مسیح (ع) بر دوش فرشتگان» تینتورتو (یاکوپو روسنتی)، قرن ١٦ م، مأخذ: www.stream.org

تصویر ۹. «پیامبر (ص) سوار بر براق در راه اورشلیم»، معراجنامه میرحیدر، نیمه اول قرن۱۵م، مأخذ: کتابخانه ملی پاریس.

صعود جسمانی و روحانی حضرت عیسی (ع) را تأیید می‌کنند.

معراج‌نگاری

تاریخ نگارگری ایرانی در دوران طولانی و پرفراز و نشیب خود دارای دوره‌های اوج و شکوفای شاخصی بوده است که بیش از سایر موارد توجه محققین را در این حوزه به سوی خود می‌کشاند. نگارگری ایران پس از افت و خیزهای دوره عباسی و با حمله مغولان وارد مرحله جدیدی در تصویرسازی کتب علمی، فنی و هنری شد. در این دوره مکتب نگارگری تلفیقی از هنر چین و هنر نگارگری ایرانی گشت و علاوه بر ورود عناصر هنرهای خاور دور، به علت گرایش پاره‌ای از سلاطین مغولی به دیانت مسیح و وارد شدن عوامل مسیحی، به ویژه نسطوریان، در پاره‌ای از تصویرگری این دوره، نفوذ نقاشی بیزانس مشاهده می‌شود (تجویدی، ١٣٨٦: ٧٥-٧٨). از این رو، در دوره ایلخانی نگارگری ایران به جایگاه خاصی از نظر موضوع و ترکیب بندی دست یافت و اصول پایه گذاری شده در این عصر، به بالاترین شکل خود در ادوار تیموری و صفوی نایل گشت (ریاضی، ١٣٧٥: ٢٢٠). در این دوران‌ها هنر و مذهب در ایران به صورت نزدیکی با هم مرتبط شده و کتاب آرایی نسخ مذهبی افزایش می‌یابد. اما نشانه‌های نگارگری دینی از اوایل قرن هفتم هجری با وجود مخالفت بعضی از علمای دین پدیدار شد و نقاشان به ترسیم برخی از صحنه‌های دینی فراخوانده شدند و این فراخوانی، هنرمندان را به نقش کردن چهره پیامبر (ص) ترغیب ساخت (عکاشه، ١٣٨٠: ١٠٧). از قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که به مصورسازی معراج پیامبر (ص) پرداخته است به نسخهٔ جامع التواریخ رشیدی می‌توان اشاره کرد. پس از آن تصویرگری معراجنامه‌ها منظوم و منثور ساخته شده از عهد ایلخانیان مورد توجه و حمایت شاهان واقع شد. نگاره‌های احمد موسی (نقاش برجسته دوران ابوسعید ایلخانی) با توجه به جهت گیری مذهبی و کیفیت معنوی در ترکیبات بدیع نگاره‌های او، نقطه اوج پیشرفتی است که به طور یقین باورهای دینی مسلمانان را به طرز شایسته‌ای به تصویر کشیده است. در زمان تیموریان نیز، گرایش به سمت تصویرگری مضامین

تصویر ۱۰. «بدار آویختن مسیح (ع)»، (فرسکو)، باسیلیکای فوقانی دیر سان فرانسیسکو، سیمابوئه، نیمه قرن ۱۳م، مأخذ: www.pinterest.co.uk

دینی ـ به خصوص وقایع زندگانی حضرت محمد (ص) ـ مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت و در عهد شاهرخ میرزا، معراجنامه پرآوازه تیموری در مکتب هرات به تصویر کشیده شد. کمیت حیرت انگیز مجالس نسخه مزبور با ساختار یکسان در ترکیب متقارن عوامل بصری، بدون تردید در زمره یکی از شاهکارهای هنر جهان اسلام است. از جلوه‌های درخشان معراج نگاری می‌توان به نسخه‌های خطی دوران آل جلایر به بعد ـ به ویژه در عهد صفویان ـ به دیوان‌های مصور شاعرانی همچون نظامی، امیرخسرو دهلوی، جامی و در کتاب‌های مصور مانند قصص الانبیا، فالنامه و معراجنامه اشاره کرد (شین دشتگل، ۱۳۸۹: ۷۰). در دوره‌های مختلف توجه به جلوه‌های خاص و ترسیم جزئیات تصویری، سبب تنوع هرچه بیشتر نقاشی معراج پیامبر (ص) متناسب با محیط جدید کتاب آرایی اعصار مختلف و سلیقه حامیان واقع شد.

نقاشی مسیحی

هنر مسیحی از ابتدا بازتابنده باور مطلق به وجود برتر دیگری بود که هر فرد مومن هویتش را در آن می‌یافت. کوشش‌های آغازین برای شمایل سازی به قرون سوم و چهارم میلادی برمی گردد و سبکی که در این دوره و سپس در قرون وسطی در نگارگری رایج بود، از این دوران آغاز شد (اسپور، ۱۳۸۳: ۱۹۱). شیوه شمایل‌نگاری قرون ٤ ـ ١٦ میلادی را سبک بیزانس می‌نامند. اگرچه این سبک به لحاظ تکنیکی دستخوش دگرگونی‌های فراوان گردید، اما به لحاظ مضمون و محتوا همواره دینی باقی ماند و در اصل تلفیقی از شیوه‌های یونانی و شرقی در ناحیه مدیترانه خاوری است (پاکباز، ۱۳۷۸: ۷۸٦) این هنر فاقد اندام‌های یکپارچه با سایه‌های بر زمین افتاده و فضاهای ساده طلایی، همراه با پرسپکتیو بهشتی است که هیچ جا نیست و همه جا هست. چنین فضایی موجب می‌شود که به سختی بتوان از این هنر سخن گفت و اصطلاح روحانی را درباره آن بکار نبرد. هنر بیزانس نمایشگر جهانی مواج از نور و رنگ و تجسم صفا و تابناکی روحانی ملکوت است (جنسن،۱۳۵۹: ١٦٥). ظهور امر متعالی در قالب تصویر، روش بیان تصویری معانی را از طبیعت پردازی صرف و تکیه محض بر عینیت گرایی، دور و خصلتی نمادین را در شیوه‌های تجسم هنری ظاهر می‌کند. هر اثر نقاشی بیزانس «تابناک و نورانی است، نه به سبب اینکه القاکننده منبع روشنایی واقع در دنیای تصویر است، بلکه بدین جهت که رنگ هایش مستقیما صفات و کیفیات لازمه نور را متجلی می‌سازند، آنها رنگ افشانی (نور آغازین) اند که در قلب، حضور مداوم دارند. سیطره سایه و روشنکاری در نقاشی، رنگ را به نور خیالی و فرضی، تقلیل و تنزل می‌دهند» (مددپور، ۱۳۸۳: ۱۳). در این هنر شمایل‌ها از وقار و آرامشی که خاص امر قدسی در هنر مسیحی است، نشات گرفته اند. هماهنگی، تناسب و نظم مبتنی بر هندسه مقدسی است که به جهان نظم و وحدت می‌بخشد. ترکیب‌بندی‌های ایستا و منظم و قرینه و کاملا متقارن، نشان دادن چهره افراد به شکل نسبتا یکسان، پرسپکتیو مقامی در نشان دادن مقام افراد و جایگاه آنان و استفاده از رنگ‌های تخت و بدون سایه و روشن و همچنین استفاده از چهره‌های شرقی در نگاره‌ها، هاله‌ها و شعله‌های نورانی بر دور سر مسیح، حواریون و فرشتگان از خصوصیات هنر بیزانس است. از آنجایی که هنر بیزانس اساسا به فوق بشر، خدا و مطلق می‌پرداخت، از همین رو، در برابر طبیعت گرایی هنر یونانی ـ رومی به چکیده‌نگاری روی آورد و بدین سان معیارهای هنر خاورزمین را برتر از معیارهای کلاسیک باستان دانست. تأثیر هنر بیزانسی بر هنر اروپایی قرون وسطی در آثار نقاشان قرون ۱۳ و١٤ ایتالیا نمایان است (پاکباز،۱۳۸۷: ۷۸۷). در تحول هنر رنسانس از مرحله آغازین تا مرحله اوج، روندی صعودی از طبیعت گرایی به سوی کلاسیک گرایی را می‌توان بازشناخت. در واقع رنسانس در جریان بازشناسی هنر کلاسیک باستان تفسیری تازه از اصول کلاسیکی ارائه کرد که یک الگوی آرمانی جدید را پدید آورد. در اوج رنسانس، مسایل مربوط به بازنمایی طبیعت حل شد و دانشی مشتمل بر روش‌های ژرفانمایی، کالبدشناسی، برجسته‌نمایی، انسان‌گرایی، سه‌بعدنمایی علمی با بهره‌گیری از روش

تصویر ۱۱. «معراج پیامبر (ص)»، مخزن الاسرار نظامی، اوایل قرن ۱۶م، مأخذ: مجموعه کی یر.

تصویر۱۲.بخشی‌ازتصویر۱۱،مأخذ:www.harvardichthus.org

تصویر۱۳. «عروج عیسی (ع)»، بندتو تی سی، نیمه اول قرن ۱۶م مأخذ: مجموعه کی یر.

تصویر۱۴. «عروج عیسی (ع)»، دوسو دوسی، نیمه اول قرن ۱۶م، مأخذ: www.bigli.com.

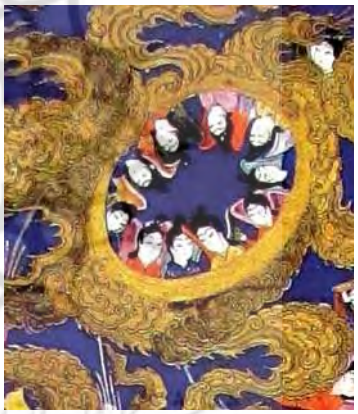

تصویر ۱۵. بخشی از تصویر ۱۱، مأخذ: مجموعه کی یر.

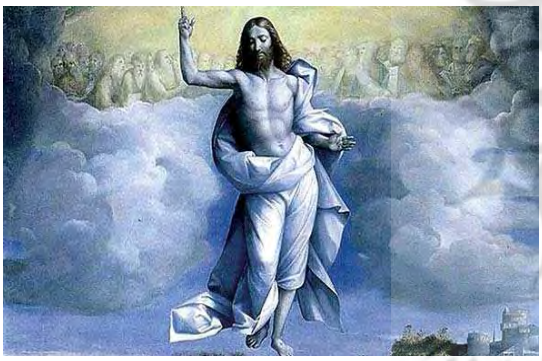

تصویر۱۶.بخشی‌ازتصویر۱۳،مأخذ:www.harvardichthus.org

سایه‌روشن‌کاری، اهمیت بخشیدن به نظم هندسی و غیره فراهم آمد (پاکباز،۱۳۸۷: ۲۶۳). این هنر، پیش از آنکه به زیبایی‌های عوالم معنویت توجه داشته باشد، زیبایی‌های زمینی و این جهانی را باز می‌تاباند و با وجود موضوعات دینی و تصویرسازی مذهبی، نوع نگاه حاکم بر آن روز به روز مادی و انسانی‌تر می‌شود.

عناصر تصویری عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع)

در نگاره‌های عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) موضوع مشترکی وجود دارد و آن سیر آسمانی انسان کاملی به سوی آسمان هاست که در نگاره‌های ایرانی با عنوان معراج و در نقاشی‌های مسیحی به نام عروج حضرت مسیح (ع) به تصویرکشیده شده اند. عناصر تصویری این نگاره‌ها شامل جزییات فراوانی است، اما از عناصر ثابت در آنها؛ پیکره پیامبر (ص)، عیسی (ع)، جبرئیل و سایر فرشتگان، براق و آسمان است. البته نحوه حضور این عناصر بر حسب هر فراز داستان بنابر روایات مختلف تغییر می‌کنند و پر رنگ تر و کم رنگ می‌شوند. از سایر عناصر تصویری می‌توان به حضور یاران پیامبران، ابر، هاله تقدس، زمان وقوع ماجرا و غیره اشاره نمود. نمایش حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) در این آثار به گونه‌ای است که بیانگر مقام معنوی آنها است و هنرمندان برای تاکید بر مقام و جایگاه والای این دو بزرگوار، آنها را نسبت به سایرین بزرگ تر و بر فراز ابرها و در میان فرشتگان ترسیم نموده اند. چنانکه در اکثر نگاره‌های ایرانی و مسیحی با این موضوع، تصویر مرکزی، پیامبر (ص) یا مسیح (ع) است که در کانون توجه مخاطبان واقع شده است. البته در نقاشی‌های مسیحی بنابر روایات مختلف از اناجیل مسیحی نحوه عروج حضرت (ع) متفاوت است. اکثر نگاره‌های مسیحی صحنه عروج عیسی (ع) را در فضای باز؛

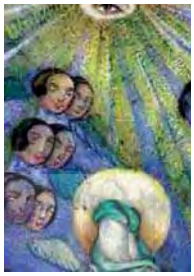

تصویر۱۷. «معراج پیامبر (ص)»، خسرو و شیرین دشتی، قرن ۱۸م، مأخذ: کتابخانه مجلس.

تصویر ۱۸. «عروج عیسی (ع)»، رامبرانت، نیمه اول قرن ۱۷م، مأخذ: www.restoringthecore.com

در آسمان‌ها و یا باغ جستیمانی و بر فراز کوه زیتون و در حضور جمعیت و فرشتگان به نمایش گذاشته اند[1]. نگاره‌های معراج نیز سیر شبانه حضرت (ص) را در آسمان‌ها و در جمع فرشتگان به تصویر کشیده اند، ولیکن در برخی موارد که مربوط به بخش اول معراج ـ سیر از مسجدالحرام به مسجدالقصی ـ است، پس زمینه‌ای از شهر مکه و کوه‌های اطراف مشاهده می‌شود.

تصویر ۱۹. بخشی از تصویر ۱۷، مأخذ: کتابخانه مجلس.

بررسی تطبیقی ساختار نگاره‌های عروج حضرت محمد (ص) و نقاشی‌های عیسی (ع)

نزول جبرئیل و بشارت معراج

در هر دو نگاره بخشی که موضوع بشارت را نمایش می‌دهند، تقسیم‌بندی کادر، ترکیب، به دو قسمت راست و چپ توسط دو پیکره اصلی انجام شده است (تصاویر ۱و۲) اگرچه در نگاره آلام عیسی (ع) در باغ، جبرئیل در یک سوم کادر بالایی و مرکز تصویر به نمایش درآمده، ولیکن محل و نحوه قرارگیری فرشته در هر دو نگاره مشابه یکدیگر است و امتداد بال‌های او به سمت راست قرار دارد. علیرغم اینکه قاب نگاره به صورت مستطیل عمودی و نگاره به صورت طومارهای افقی ترسیم شده اند، اما در هر دوی آنها پیامبر (ص) و عیسی (ع) در سمت چپ تصویر به نمایش در آمده اند. از دیگر وجوه تشابه این دو اثر فضای پس‌زمینه آنهاست. اگرچه صحنه بشارت حضرت محمد (ص) در فضای درونی و موضوع بشارت عیسی (ع) در فضای بیرونی ترسیم شده اند، اما در هر دو نگاره می‌توان به وجود قوس‌ها در بالای سر هر دو پیامبر الهی اشاره نمود. علاوه بر آن کادر بالایی نگاره مسیحی نیز مثلثی شکل است. در پس‌زمینه نگاره آلام عیسی (ع) در باغ، تصویر کوه زیتون در پشت حضرت عیسی (ع) به نمایش در آمده و در پس‌زمینه نگاره معراج فضای معماری گونه قوسی شکل مشاهده می‌شود و بدین ترتیب وجود قوس‌ها در بالای سر هریک از شخصیت‌های اصلی موجب تاکید بر پیکره مقدسین شده است(Bartz,1998: 34).

تعارف جام زرین

در این نگاره‌ها مرکز تصویر به پیامبر الهی و فرشته وحی اختصاص یافته و حضور آنها کادر تصویر را به دو قسمت راست و چپ تقسیم نموده است (تصاویر ۳ و ٤). در این تصاویر نیز حرکت بال‌های جبرئیل به ویژه انتهای بال هایش به سمت راست نگاره اشاره دارند و حضرت

۱. عامل دیگر اشتباه شدن عیسی را به شخص دیگر امکان پذیر می‌کند این است که کسانی که برای دستگیری حضرت عیسی (ع) به باغ « جستیمانی» درخارج‌شهررفته‌بودند، گروهی رومی بودند که شاگردان عیسی (ع) را از استادشان تشخیص نمی دادند (مکارم شیرازی،۱۳۷٤، ج ٤: ۲۰۱).

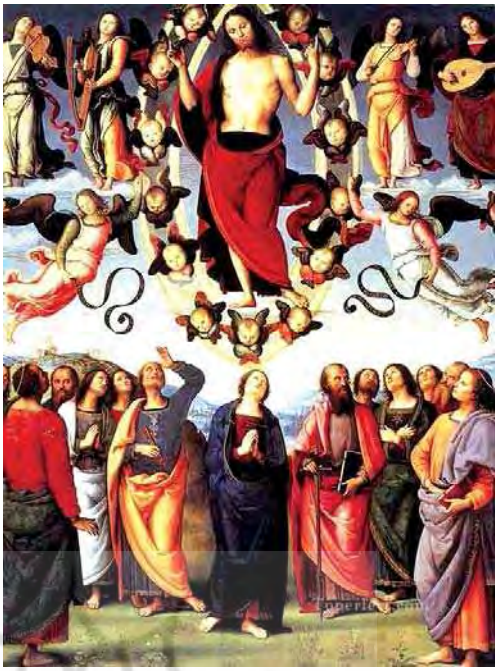

تصویر ۲۰. «عروج مسیح (ع)»، (فرسکو)، پیترو پروجینو، نیمه اول قرن ۱۵م، مأخذ: موزه هنرهای زیبا، لیون (فرانسه).

محمد (ص) و عیسی (ع) در سمت چپ تصویر به نمایش در آمده اند. از دیگر خصوصیت اشتراک این دو نگاره، حالت احترام و تعظیم فرشته وحی در مقابل پیامبران عروج کننده است. در پیش‌زمینه نگاره معراج جبرئیل با پیکری رو به جلو خم شده و ظرف زرین در دست در مقابل حضرت رسول (ص) که سوار بر براق هستند ترسیم شده است. اما در نگاره بشارت، فرشته بزرگ الهی در حالی که بر روی ابر سفیدی زانو زده و جام طلایی را به حضرت عیسی (ع) تعارف می‌نماید، مشاهده می‌شود.

نمایش زمان معراج

در نگاره معراج و نگاره آلام عیسی (ع) در باغ، پیکره پیامبر صعودکننده در اندازه بزرگ‌تر از سایر اشخاص صحنه با پوششی آبی رنگ و هاله تقدس بر گرد چهره و در حال گفتگو با فرشته وحی ترسیم شده است (تصاویر۵ و۶). در نگاره مسیحی، صحنه‌ای که حضرت عیسی (ع) بشارت عروج را توسط جبرئیل دریافت می‌نماید، در گوشه‌ای از باغ و در تاریکی شب ترسیم شده است، ولیکن در معراجیه، حضرت محمد (ص) سوار بر براق و در میان انبوهی از فرشتگان و در تلاطم ابرهای زرین و پهناور در آسمان با راهنمایی جبرئیل سیر شبانه خود را آغاز کرده است. از شاخصه‌های مشترک این دو نگاره، زمان عروج این دو پیامبر الوالعزم است که شبانگاهان و در حالی که سه نفر درخوابند، به نمایش درآمده اند. در هر دو اثر، نحوه قرار گرفتن رسولان الهی نسبت به افرادی که در خواب هستند، می‌تواند نشان دهنده مقام و جایگاه آنها نسبت به سایرین باشد.

پیامبر بر دوش جبرئیل

کادر مستطیل شکل هر دو نگاره به دو قسمت بالا و پایین تقسیم شده و شخصیت اصلی ـ حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) ـ در کادر بالایی و در مرکز تصویر به نمایش درآمده اند (تصاویر ۷ و۸) در هر دو اثر، پیامبر الهی بر دوش فرشته‌ای در حال سیر است. اگرچه در نگاره معراج، حضرت محمد (ص) توسط جبرئیل به تنهایی در آسمان‌ها حرکت می‌نماید، ولی در تصویر عروج حضرت عیسی (ع)، علاوه بر اینکه حضرت بر شانه‌های یک فرشته ـ احتمالا جبرئیل ـ مجسم شده، اما چهار فرشته دیگر نیز ایشان را مشایعت می‌نمایند. از وجوه اشتراک این دو نگاره می‌توان به تشابه جهت حرکت و نحوه قرارگیری پیامبر بر شانه‌های فرشته‌ای با بال‌های عظیم و نیز نحوه اشاره دست ـ حضرت رسول (ص) و مسیح (ع) ـ اشاره نمود. چرا که پیش از این، در اکثر نگاره‌های مسیحی، حضرت عیسی (ع) با همراهی فرشتگان به عروج می‌روند، اما هیچ یک همانند این نگاره طراحی نشده اند. چنانکه این نگاره به لحاظ چیدمان پیش‌زمینه نیز تشابهاتی با نگاره معراج پیامبر (ص) اثر احمد موسی دارد. در نگاره معراج فرشتگانی در کادر پایینی، میان کوه‌های سپید پوش و شعله‌های زرین آتش، در حالات استقبال و خوشامدگویی به پیامبر (ص) با چهره‌های تمام رخ، سه رخ و نیم رخ نمایش داده شده‌اند. در نگاره عروج به بهشت مسیح (ع) نیز افرادی با همین حالات و رفتار متعجب به صعود حضرت (ع) نظاره می‌کنند. در این دو اثر، نحوه قرارگیری پیامبران الهی نسبت به سایر افراد از ترکیب بندی مثلثی شکل پیروی می‌کند و این حالت

تصویر ۲۱. «معراج پیامبر (ص)»، هفت پیکر نظامی، نیمه قرن۱۶م، مأخذ: موزه بریتانیا.

تصویر۲۲. «عروج مسیح(ع)»، بنجامین وست، نیمه دوم قرن۱۸ و اوایل۱۹ م، مأخذ: www.commons.wikimedia.org/Berger Collection/61

شان و مرتبه والای عروج کننده را نسبت به سایرین به بهترین نحو نشان می‌دهد.

خیل فرشتگان جام به دست در اطراف پیامبر

هر دو نگاره در قاب مستطیل شکل به تصویر کشیده شده اند، اما نگاره معراج در جدول عمودی و نگاره تصلیب در کادر افقی ترسیم شده است (تصاویر ۹و ۱۰). در هر دو اثر، شخصیت اصلی «حضرت محمد (ص) و عیسی (ع)» در مرکز تصویر و در میان خیل فرشتگان ثناخوان و خوش آمدگو به تصویر کشیده شده است و فرشتگان در حال گفتگو و متعجب از حضور پیامبر الهی با ظروفی زرین به استقبال نبی الله آمده اند. با این تفاوت که در معراجیه حضرت محمد (ص) سوار بر براق و با همراهی جبرئیل و میکائیل به سیر شبانه نشان داده شده است، ولیکن در نگاره تصلیب، صحنه به دار آویخته شدن حضرت عیسی (ع) به نمایش گذاشته شده است. از دیگر وجوه اشتراک این دو نگاره می‌توان به زمان وقوع ماجرا، عروج هر دو پیامبر در شبانگاهان و همچنین کاربرد رنگ طلایی بر زمینه آبی رنگ اشاره نمود که در نگاره معراج به صورت ابرهای پیچان و گسترده در آسمان لاجوردی و در نگاره مسیحی، فرشتگان با پوششی زرین در آسمان مه آلوده مشاهده می‌شوند.

نمایش شهر در پیش‌زمینه و حضور مردم

در هر دو نگاره تقسیم‌بندی کادر به دو بخش بالایی و پایینی توسط شخصیت اصلی صورت گرفته است و حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) در کادر بالایی و در مرکز تصویر به نمایش درآمده اند (تصاویر ۱۱ و ۱۲). در هر دو اثر، نحوه قرار گرفتن عروج کننده نسبت به افرادی که در پیش‌زمینه آنها نشان داده شده اند، از ترکیب مثلثی شکل تبعیت کرده و «این نوع ترکیب بندی به بهترین وجه به بیان بصری شأن و مرتبه والاتر شخصیت اصلی می‌پردازد.» (جوانی،۱۳۹۲: ۶۳) از سایر خصوصیات مشترک این دو نگاره به نمایی از شهر در آنها می‌توان اشاره کرد. در نگاره معراج، پیامبر (ص) سوار بر براق در میان خیل فرشتگان و ابرهای پیچان و گسترده بر فراز شهر مکه به نمایش درآمده است و طرح ساده‌ای از کعبه و مناره‌ها و صحن مسجدالحرام با کاشی کاری‌های ظریف و رنگارنگ که زائرینی در آنجا وجود دارند، مشاهده می‌گردد. علاوه بر این در پس‌زمینه نگاره و گرداگرد صحنه عروج پیامبر (ص)، ترسیم خانه‌های ساده با گنبدهای کوچک در میان صخره‌های روشن با درختان کاج و نخل به محل و مسیر عبور حضرت (ص) از مسجدالحرام و بیابان‌ها را نشان می‌دهد. همچنان که در نگاره عروج عیسی (ع) بر فراز کوه زیتون، نمایش منظره‌ای از شهر در پس‌زمینه آن، مبین مبدا سفر آسمانی ایشان است.

حالت ابرها و خیل فرشتگان

در این دو نگاره ـ مانند تصاویر فوق ـ حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) در کادر بالایی و در میان خیل فرشتگان

تصویر۲۳. «معراج پیامبر (ص)»، شرف نامه نظامی، اوایل قرن ۱۷م.، مأخذ: کتابخانه ملی فرانسه.

که در ابرهای غلتان حضور دارند، به نمایش درآمده اند (تصاویر۱۳ و ١٤). در این آثار انبوه فرشتگان در گروه‌های چندتایی یا انفرادی که گاه بر حلقه ابرها تکیه داده و گاه در جهت حرکت ابرهای پیچان با حالات متنوع نمایش سر ترسیم شده اند، در حال تماشای پیامبر الهی هستند. در این نگاره‌ها با تمهیداتی چون پوشانیدن بیشتر پیکره‌های فرشتگان با ابرهای پیچان، حضور آنها را کنترل شده و بیشترین برجستگی و نقطه عطف نگاره‌ها به حضور شخصیت اصلی ـ حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) ـ داده شده است. حضور فرشتگان بسیار در این دو اثر نشان دهنده عظمت و شکوه آنان در آسمان هاست و همچنین تلاش شده لحظه سفر آسمانی پیامبران و اهمیت آن به مخاطب یادآوری گردد. از دیگر تشابهات این دو نگاره، می‌توان ترسیم ابرهای پیچان و گسترده را ذکر نمود که حرکت دایره واری را که فرشتگان در گرداگرد پیامبر ایجاد نموده اند برجسته تر کرده اند. همچنین خطوط افقی ابرها با خطوط افقی ساختمان‌های موجود در نگاره‌ها موازی شده و موجب یکدستی آثار در بالا و پایین کادر (آسمان و زمین) شده اند.

پنجره‌ای در آسمان و نظاره فرشتگان

در قاب مستطیل شکل این دو نگاره، فرشتگان در ترکیب بندی جدیدی نمایش داده شده اند و هنرمندان مسلمان و مسیحی نگاهی متفاوت به معراج داشته اند (تصاویر ۱۵ و ١٦) چنانچه در قسمت بالایی هر دو اثر انبوهی از فرشتگان در گروه‌های چندتایی یا انفرادی گرداگرد پیامبر ترسیم شده اند و مشغول تماشای وی هستند. شاخصه مشترک و مهم این دو نگاره، که نسبت به سایر نگاره‌های معراج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) وجود دارد، نمایش فرشتگانی است که در پشت پنجره‌ای در آسمان با هم جمع شده اند و نظاره گر عروج این رسولان الهی هستند. احتمالا ترسیم پنجره‌ای بر آسمان، مبین ورود حضرت رسول (ص) به آسمان اول است که فرشتگان زیادی با چهره‌های شاداب به استقبال ایشان آمده اند[1] (طباطبایی،١٤١٧ق، ج١٩).

حالت چشم جهان بین یا حالت چشم مثلثی

در این دو اثر، ترکیب‌بندی نگاره‌ها با ترسیم چشم جهان بین بر فراز سر شخصیت‌های اصلی تغییر کرده است و ترکیب مستطیلی جای خود را به ترکیب مثلثی داده و بدین طریق جایگاه و مرتبه والای پیکره مرکزی نمایان تر گشته است (تصاویر ۱۷ و ۱۸). در این دو تصویر، این شکل که با پرتوهایی از نور احاطه شده، به عنوان چشم خداوند که نظاره گر عروج پیامبر الهی با همراهی خیل فرشتگان است، ترسیم شده است. در نگاره مسیحی، این عنصر تصویری، می‌تواند نمادی از تثلیث مسیحیت تصور گردد که در پیکره نگاری قرون وسطی و رنسانس در اروپا به وفور دیده می‌شود، ولیکن بکارگیری این فرم در نگاره معراج دوره قاجار، به احتمال زیاد تحت تأثیر نقاشی‌های اروپایی انجام شده است.

۱. پیامبر (ص) می‌فرماید به راهمان ادامه دادیم تا به آسمان اول (آسمان دنیا) رسیدیم، نگهبان آن فرشته‌ای بود که نامش اسماعیل بود و زیر فرمان او هفتادهزار فرشته بود که هر فرشته‌ای نیز هفتاد هزار فرشته سرباز داشت. به جبرئیل گفت: چه کسی با توست؟ گفت: محمد (ص). پرسید: به پیامبری رسیده و مبعوث گردیده؟ گفت: بله، سپس در آسمان را به روی ما گشود. پس سلام و طلب مغفرت به یکدیگر، هنگام ورود به آسمان، فرشتگان زیادی را ملاقات کردم که همه خندان و چهره‌های شاداب به استقبال ما آمده بودند (طباطبایی،١٤١٧ق،ج١٩) حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «سپس آسمان‌های بالا را از هم گشود و از فرشتگان گوناگون پر نمود.» (نهج البلاغه) در عقاید مسیحی نیز آسمان‌ها مملو از فرشتگان هستند که مشغول عبادت و تسبیح او هستند. در انجیل برنابا : «پس آن فرشتگان آمدند و یسوع را از روزنه‌ای مشرف بر جنوب برگرفتند. پس او را برداشتند و در آسمان سوم در صحبت فرشتگانی که تا ابد خدای را تسبیح می‌کنند گذاشتند.» (برنابا٢١٦:١٣٥).

تصویر ۲۴. «عروج مسیح (ع)»، جیرولامو موزیانو، نیمه اول قرن ۱۶، مأخذ: www.progettocultura.intesasanpaolo.com

ابزار آلات موسیقی

ترکیب مستطیل شکل این دو نگاره نیز با ترسیم پیکره‌های عروج کننده تحت اشکال مثلثی شکل به ترکیب مثلثی تغییر یافته است (تصاویر۱۹ و ۲۰). در نگاره معراج حضرت محمد (ص) سوار بر براق و با همراهی فرشتگان تحت نظاره چشم جهان بین به تصویر کشیده شده است و در نگاره، حضرت عیسی (ع) درون ماندالایی بادامی شکل که اطراف آن را فرشتگانی با یک سر و دو بال احاطه کرده اند، در حال عروج است. از آنجایی که ماندالا به عنوان نمادی برای بیان روشنایی بکار می‌رفته و در مسیحیت، شیوه‌ای برای توصیف نزدیکی آسمان و زمین و یا خدا و انسان بوده و سمبلی از روشنایی و قداست در هنر به شمار می‌رود[1] . این دو نگاره از لحاظ مفهوم نمادین چشم جهان بین و ماندالا نیز با یکدیگر تشابه دارند. از وجوه اشتراک این دو نگاره ترسیم فرشتگانی در حال نواختن آلات موسیقی است. در نگاره معراج فرشته‌ای نیمه عریان که در حال نواختن کرنا است مشاهده می‌شود، ولیکن صحنه عروج عیسی (ع) با حضور فرشتگانی در حال نواختن انواع مختلفی از آلات موسیقی به نمایش درآمده است.

حضور تصویر پیامبر در ترکیب‌بندی حلزونی

در این دو نگاره نحوه استقرار فرشتگان و ترکیب بندی هماهنگ آنها با پیکره پیامبران الهی بر فراز ابرهای پیچان نمایانگر شیوه ترکیب بندی مارپیچی است (تصاویر ۲۱ و ۲۲) از وجوه اشتراک این دو اثر می‌توان به کاربرد رنگ طلایی در میان ابرهای سپید رنگ اشاره نمود که موجب نورانیت و شفافیت آنها شده و حالت سیالیت به شخصیت‌های اصلی در این نگاره‌ها داده است[2]. از ویژگی‌های اساسی نگاره معراج و دیوار نگاره عروج، ترسیم حرکتی از نوع مارپیچی است که سعی شده به وسیله نشانه‌های گوناگونی به تصویر کشیده شود که از مهمترین آنها می‌توان به حرکات و حالات متنوع فرشتگان در این آثار اشاره نمود. چنانچه حرکت دوار فرشتگان، آنها را به سوی پیامبر عروج کننده که در مرکز تصویر قرار دارد، می‌کشاند و یا نمایش متنوع بال فرشتگان که در این نگاره‌ها مشاهده می‌شود. دسته‌ای از آنها بال‌هایی با خطوط مستقیم و بلند در قسمت انتهایی دارند که در ابتدای حرکت مارپیچ و در کادر پایینی نگاره‌ها ترسیم شده اند و تعدادی نیز بال‌هایی با خطوط موجی و کوتاه تر دارند که در کادر بالایی و به صورت متقارن در اطراف پیامبر الهی نمایش داده شده اند[3]. احتمالا ترسیم فرشتگان متعدد در این آثار تاکیدی بر اهمیت حضور پیامبر و استقبال پرشکوه فرشتگان از آن حضرت بوده باشد تا بر عظمت و جلال این سفر آسمانی بیافزاید.

حالت متقارن فرشتگان در اطراف پیامبر و احترام به ایشان

در قاب مستطیل شکل این دو نگاره، ترکیب عوامل بصری به صورت متقارن و با تاکید بر شخصیت اصلی انجام گرفته است (تصاویر ۲۳ و ۲۴) در نگاره‌های مزبور، نمایش قرینه و منظم فرشتگان در میان ابرهای سپید و پیچان با بال‌های رنگین و از هم گشوده به حالت خوشامدگویی و ثنای پیامبر عروج کننده بر محتوای معنوی این سفر روحانی ـ جسمانی تاکید می‌کند. در این آثار، فرشتگان با نمایش حالاتی یکسان به سمت نبی الهی که در هاله‌ای از نور و تقدس قرار گرفته است، اشاره می‌کنند. از دیگر وجوه اشترک عناصر بصری این دو نگاره تنوع رنگی در پوشش پیکره‌های موجود در آنها و افزودن ابرهای سفید پیچاپیچ در پس زمینه فرشتگان است.

۱. وسیکا پیسکیس (عیسی مسیح، ماهی مسیح و ماندورلا). این نماد تاریخچه غیر معمولی دارد. امروزه به اعضای مذهب مسیحی دلالت دارد. در مسیحیان اولیه از این نماد استفاده می‌کردند و معنای لغوی آن در یونانی، به معنای ماهی است. «عیسی مسیح، پسر خدا یا نجات دهنده» آنها این اصطلاح رمزی را در مسیحیت برای عیسی بکار می‌بردند، زیرا وی قادر است در ژرفای فناپذیری بدون گناه باقی بماند، همانطور که ماهی می‌توانست در اعماق دریا زندگی کند و زنده بماند (پایگاه فرهنگ تصویری نمادهای مذهبی) این نماد جزو نمادهای فیثاغورثی محسوب می‌شود.

۲. «رنگ زرد طلایی منور است و بدون وزن، رنگی است که پیشینه‌ای کهن در نقاشی ایرانی دارد و مانی بسیاری از نقاشی‌های خود را با آن می‌آراسته است. طلایی همواره به جای نور و روشنایی نقاشی ایرانی استفاده شده، رنگی است مسحورکننده و نماد شگفتی و آخرت، پادشاهی و سلطنت جاویدان همراه با دانایی و فهم و معرفت ارتباط دارد» (کامرانی، ۱۳۷۹، ۲۶۲)، چنان‌که نقاشی بیزانس نیز تحت تاثیر نقاشی شرقی به کاربرد رنگ طلایی پرداخت.

۳. فرشتگانی که بال‌های بلندتر و هندسی دارند، قدرت و صلابت را انتقال می‌دهند و دسته دوم بال‌های پیوسته و کوتاه و با رنگ‌های تو در تو و متنوع تر دارند، بیشتر احساس لطافت و زیبایی را در بیننده ایجاد می‌نمایند (ملکی، ۱۳۸۷: ۹۱)

جدول ۲. تطبیق نگاره‌های ایرانی و مسیحی از منظر عناصر تصویری و ساختاری. مأخذ: همان.

شماره تصاویر	مضمون مشابه	جزء مشابه	تصویر کل اثر	مشخصات تصویر
۱	نزول جبرئیل و بشارت معراج			«ظهور جبرئیل در خوابگاه پیامبر (ص)» معراجنامه میرحیدر نیمه اول قرن ۱۵م کتابخانه ملی پاریس
۲				«آلام مسیح در باغ» (تمپرا روی بوم چوبی) لرنزو ماناکو قرن ۱۴ م
۳	تعارف جام زرین			«معراج پیامبر (ص)» جامع التواریخ رشیدی اوایل قرن ۱۴م کتابخانه ادینبرو
٤				«آلام مسیح در باغ» (تمپرا روی بوم چوبی) لرنزو ماناکو قرن ۱۴ م
۵	نمایش زمان معراج			«معراج پیامبر (ص)» بوستان سعدی نیمه اول قرن ۱۶م موزه متروپولیتن
٦				«آلام مسیح در باغ» تمپرا روی بوم چوبی لرنزو ماناکو قرن ۱۴ م
۷				«حضرت محمد (ص) بر دوش جبرئیل بر فراز کوه های عجیب» معراجنامه احمدموسی قرن ۱۴م کتابخانه توپقاپی سرای استانبول
۸	عروج پیامبر بر دوش فرشته			«عروج مسیح (ع) بر دوش فرشتگان» تینتورتو قرن ۱۶ م

۹	ـ فرشتگان جام به دست در اطراف پیامبر			« پیامبر (ص) سوار بر براق در راه اورشلیم» معراجنامه میرحیدر نیمه اول قرن ۱۵م کتابخانه ملی پاریس
۱۰				«بدار آویختن مسیح (ع)» (فرسکو) باسیلیکای فوقانی دی سان فرانسیسکو سیمابوئه نیمه قرن ۱۳م
۱۱	ـ نمایش محل عروج - ترسیم نمایی از شهر ـ حضور مردم			«معراج پیامبر (ص)» مخزن الاسرار نظامی اوایل قرن ۱۶م مجموعه کی یر
۱۲				«عروج عیسی (ع)» بنونوتو تی سی نیمه اول قرن ۱۶م
۱۳	ـ حالت ابرها و خیل فرشتگان			«معراج پیامبر (ص)» مخزن الاسرار نظامی اوایل قرن ۱۶م مجموعه کی یر
۱۴				«عروج عیسی (ع)» دوسو دوسی نیمه اول قرن ۱۶م
۱۵	ـ پنجره‌ای در آسمان و نظاره فرشتگان			«معراج پیامبر (ص)» مخزن الاسرار نظامی اوایل قرن ۱۶ م مجموعه کی یر
۱۶				«عروج عیسی (ع)» بنونوتو تی سی نیمه اول قرن ۱۶م

ادامه جدول ۲.

۱۷	نمایش چشم جهان بین ـ پرتوافشانی نور بصورت مثلثی			«معراج پیامبر (ص)» خسرو و شیرین دشتی قرن ۱۸ م کتابخانه مجلس
۱۸				«عروج عیسی (ع)» رامبرانت نیمه اول قرن ۱۷م
۱۹	نمایش ابزارآلات موسیقی			« معراج پیامبر (ص)» خسرو و شیرین دشتی قرن ۱۸ م کتابخانه مجلس
۲۰				« عروج مسیح (ع) » (فرسکو) پیترو پروجینو نیمه اول قرن ۱۵م
۲۱				«معراج پیامبر (ص)» هفت پیکر نظامی نیمه قرن ۱۶ م موزه بریتانیا
۲۲	حرکت حلزونی فرشتگان			«عروج مسیح (ع)» بنجامین وست (۱۸۲۰ – ۱۷۳۸)،
۲۳	حالت متقارن فرشتگان در اطراف پیامبر ـ احترام به ایشان			«معراج پیامبر (ص)» شرف نامه نظامی اوایل قرن ۱۷ م کتابخانه ملی فرانسه
۲۴				« عروج مسیح (ع)» جیرولامو موزیانو نیمه اول قرن ۱۶م

نتیجه

مطالعه نگاره‌های معراج پیامبر (ص) و عیسی (ع)، وجود مشترکات در شیوه‌های بیان تصویری و مفاهیمی که دستمایه آفرینش این آثار بوده اند، را نشان میدهد و از سوی دیگر تفاوت‌های موجود در آنها مبین تأثیرات اقلیمی و نگرش‌های مسلط دوران هنرمندان است. تطبیق عناصر ساختاری در ترکیب بندی این نگاره‌ها نمایانگر این امر است که در اکثر معراجیه‌های پیامبر (ص)، علاوه بر تداوم اسلوب‌های تصویری رایج در نگارگری ایرانی، انعکاس شیوه‌های نقاشی عروج عیسی (ع) بخوبی در آنها محسوس است. با توجه به سابقه تأثیرپذیری از فرهنگ تصویری مسیحی از دوره ایلخانی، احتمال آشنایی برخی نگارگران ایرانی با شیوه‌های نمایش عروج مسیح قوت می‌یابد. در دنیای مسیحیت، هنرمندان به عنوان خادمان کلیسا وظیفه داشتند نظرات علمای دینی را به زبان هنر برگردانند. از این رو، اناجیل مسیحی ایده اصلی ایجاد آثاری با موضوع عروج را در اختیار آنها قرار می‌دادند و در نگارگری ایرانی نیز درک هنرمندان از حکمت اسلامی و آگاهی شان از آیات و روایات موجب شرح واقعه معراج پیامبر (ص) شده است. در اکثر نگاره‌های ایرانی و نگاره‌های دوره بیزانس برای نمایش عروج حضرت محمد (ص) و عیسی (ع) از شیوه دو بعدی استفاده شده و سایه و روشنکاری دقیق و حجم پردازی طبیعت گرایانه کاربرد نداشته است، اما تحولات رنسانس موجب ظهور ژرفانمایی، کالبدشناسی، برجسته نمایی، بهره گیری از روش سایه روشن کاری، اهمیت بخشیدن به نظم هندسی در نگاره‌های مسیحی و به پیروی از آن تأثیراتش در نگارگری ایرانی آشکار گشت. از آنجایی که در این دو هنر موضوع عروج پیامبر (ص) و عیسی (ع) بارها و بارها تکرار شده است، برای تصویرسازی این موضوع واحد از عناصر تکراری استفاده می‌شود. به عنوان نمونه در نگاره‌های معراج پیامبر (ص) همواره حضرت رسول (ص) و براق و جبرئیل و فرشتگان در صحنه حضور دارند و شخصیت دیگری به آنها اضافه نمی شود، بلکه ممکن است ساختار و چیدمان این عناصر در نگاره‌ها تغییر نماید و یا در پس‌زمینه، عناصر فرعی تغییراتی به نسبت نوع روایت وجود داشته باشند. از جمله عناصر تصویری اصلی می‌توان به حضور فرشتگان در هر دو هنر اشاره نمود که در نگارگری ایرانی، در برخی از نگاره‌ها حالات و نوع بال فرشتگان و نحوه استقرار شان بر گرد پیامبر (ص) تغییر نموده است. به عنوان نمونه در نگاره معراج سلطان محمد، چیدمان آنها به شیوه مارپیچ حلزونی است و به تبع آن در برخی از نقاشی‌های عروج عیسی (ع) نیز حالت متقارن فرشتگان گرداگرد حضرت مسیح (ع) متحول شده و به صورت مارپیچ درآمده است (مانند نگاره عروج اثر بنجامین وست) همچنین نحوه ترسیم بال فرشتگان در بخش‌های مختلف این چرخش نیز متناسب با محل قرارگیری آنها متفاوت گشته است. اگرچه بسیاری از تشابهات ساختاری و تصویری بین نگاره‌های معراج حضرت رسول اکرم (ص) و عروج حضرت عیسی (ع)، به دلیل مضمون واحد ـ عروج ـ و هماهنگی‌های دینی بین اسلام و مسیحیت نشات گرفته است، اما توجه به تاریخ متاخرتر برخی از نگاره‌های معراج پیامبر (ص) نسبت به نگاره‌های عروج عیسی (ع) احتمال تأثیرپذیری آنها از عناصر تصویری موجود در شمایل‌نگاری مسیحی را قوت می‌بخشد. علیرغم تأثیرپذیری معراج نگاره‌های ایرانی از نقاشی مسیحی، برخی ویژگی‌های معراجیه‌های ایرانی در نقاشی‌های عروج حضرت عیسی (ع) نیز هویدا می‌شود. هرچند این موارد تشابه را می‌توان به عنوان شواهدی از تأثیر و تاثر نگارگران ایرانی و نقاشان مسیحی از یکدیگر دانست؛ اما بدلیل فقدان اسنادی که بتوان با استناد به آنها وجود این تأثیرات را با قاطعیت اعلام نمود، این موضوع در سطح احتمال باقی می‌ماند. مطالعه عمیق در جهت کشف اسناد تاریخی و اثبات وجود تأثیرات متقابل نگارگران ایرانی و نقاشان مسیحی در تصویرسازی موضوع معراج حضرت رسول(ص) و عروج حضرت مسیح (ع) فرصت دیگری را می‌طلبد و این موضوع به عنوان پیشنهادی برای پژوهش‌های آتی به پژوهشگران و علاقه مندان توصیه می‌شود.

منابع و مأخذ

قرآن مجید

انجیل‌های متی، مرقس، لوقا

اعمال حواریان

آلوسی، محمود. ۱٤۱۵ق. *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق علی عبدالباری عطیه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابن بابویه. محمدبن علی. ۱۳۷٤. *الخصال*. ترجمه باقر کمره ای. تهران: کتابچی.

ابن بابویه، محمدبن علی. ۱۳۸۰. *علل الشرایع*. ترجمه محمدجواد ذهنی تهرانی. قم: مومنین.

ابن بابویه. محمد بن علی. ۱۳۸۰. *عیون اخبار الرضا (ع)*. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ابن منظور، محمدبن مکرم. ۱٤۱٦ق. *لسان العرب*. بیروت: موسسه تاریخ العربی.

اسپور، دنسیس. ۱۳۸۳. *انگیزه آفرینندگی در سیر تاریخی هنرها*. ترجمه امیر جلال الدین اعلم. تهران: نیلوفر.

ام. کورکیان، ژ. پ سیکر. ۱۳۷۷. *باغهای خیال*. ترجمه پرویز مرزبان تهران فروزان.

برنابا. ۱۳۷۹. *انجیل برنابا*، ترجمه: حیدرقلی سردار کابلی. تهران: نیایش.

پاکباز، رویین. ۱۳۷۸. *دایره المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.

تفضلی، احمد. ۱۳۷٦. *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. تهران: سخن.

تجویدی، اکبر. ۱۳۸٦. *نگاهی به هنر نقاشی ایران از آغاز تا سده دهم هجری*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جوانی، اصغر. نیکونژاد، محبوبه. شریعتی، بهاره. ۱۳۹۲«. بررسی مضامین رویایی مقدسین و بشارت در معراج نامه تیموری و آثار فرا آنجلیکو»، نگره. ۲۸: ٦۷-۵۹.

جنسن، ه.و. ۱۳۵۹. *تاریخ هنر*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش.

دعوتی، میرابوالفتوح. ۱۳٤۸. *عیسی مصلوب نشد*. بی جا. بی نا.

دهقان، نرگس. معماریان، غلامحسین. محمدمرادی، اصغر. عبدی اردکانی، حجت اله. ۱۳۹۰. «مقایسه تطبیقی مفهوم عروج در مشترکات معنایی کهن الگو با کالبد معماری»، نشریه *مطالعات تطبیقی هنر*. ۲: ۱۰۰-۸۷.

رازی، ابوالفتوح. ۱۳۸۱. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.

رضایی، آمنه. ۱۳۹۱. *بررسی تطبیقی معراج پیامبر (ع) و عروج عیسی (ع)*. حدیث اندیشه. ۱۳: ۱۷٤- ۱٤۰.

ریاضی، محمدرضا. ۱۳۷۵. اصطلاحات هنر ایران. تهران: دانشگاه الزهرا.

زمخشری، محمود بن عمر. *بی تا. الکشاف*. بی جا. منشور البلاغه.

سبحانی، جعفر. ۱۳۷۵. منشور *جاوید*. قم: موسسه امام صادق (ع).

شایسته فر، مهناز. کیان، کتایون. شایسته فر، زهره. ۱۳۹۰. «بررسی موضوعی شمایل نگاری پیامبر اسلام در نگارگری دوره ایخانی و حضرت مسیح در نقاشی مذهبی بیزانس متأخر». *مطالعات هنر اسلامی*. ۱٤: ٦۰-٤۱.

شین دشتگل، هلنا. ۱۳۸۹. *معراج نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی‌های مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد (ص) سده‌های ۱٤ – ۸*. تهران: علمی و فرهنگی.

شین دشتگل، هلنا. ۱۳۸٤. مقام جبرئیل در معراجنامه احمد موسی. *مجله گزارش (انجمن نقاشان ایران)*. ش ۱۳. شین دشتگل. هلنا.

صداقت، فاطمه. خورشیدی، زهرا. ۱۳۸۸. «بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع التواریخ. مطالعات *هنر اسلامی*». ۱۰: ۹۸-۷۷.

طباطبایی، محمدحسین. ۱٤۱۷ق. *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
طوسی، ابی جعفر محمدبن بن الحسن. ۱٤۰۹ق. *تبیان فی تفسیر القرآن*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
عکاشه، ثروت، *نگارگری اسلامی*. ۱۳۸۰. ترجمه غلامرضا تهامی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.
فخر رازی. ۱٤۱۰ق. تفسیرکبیر. بیروت: دارالفکر.
قمی، علی بن ابراهیم. ۱٤۱۲ق. بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
کامرانی، بهنام. ۱۳۷۹. *رمزشناسی نقاشی‌های معراج*. مجموعه مقالات سایه طوبی.
کوپر، جی سی. ۱۳۷۹. *فرهنگ مصور نماد سنتی*. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: فرشاد.
مبشرکاشانی، خلیل. ۱۳۹۱. معراج پیامبر اکرم (ص). پایگاه بین المللی همکاری‌های خبری شیعه. شفقا.
مجلسی، محمدباقر. ۱۳٦۲. *اعتقادات*. بی جا. سعید.
مجلسی، محمدباقر. ۱۳٦۲. *بحارالانوار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مددپور، محمد. ۱۳۸۳. *آشنایی با آرای متفکران درباره هنر*. تهران: سوره مهر.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷٤. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
ملکی، توکا. ۱۳۸۷. فرشتگان نقاشی ایران. فصلنامه کتاب *ماه هنر*.
نویری، شهاب الدین احمد. ۱۳٦۵. *نهایه الارب فی فنون الادب*. ترجمه محمود مهدی دامغانی. تهران: امیرکبیر.
نهج البلاغه. ۱۳۸۲. ترجمه محمد دشتی. تهران: جمال.
Bartz,Gabriele. 1998. *Guido di Piero known as Fra Angelico*: Germany: Konemann Verlagesells Chaft mbH.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Comparative Study oftheMiraj of Muhammad in Persian Paintings and the Ascension of Jesus in Christian Paintings

Marzieh Alipour,Ph.D.Student,AnalyticalandComparativeHistoryofIslamicArt,FacultyofArt,ShahedUniversity,Tehran,Iran.
Mohsen Marasy,Ph.D. Associtate Professor, Faculty of Art, Shahed University,Tehran, Iran.
Recieved: 2016/12/28 Accepted: 2017/9/2

The Miraj (Night journey) of Muhammad and the ascension of Jesus are of the most important themes of religious Persian and Christian paintings. The purpose of recounting the ascension of these two prophets in Quran is to honor and exalt their characters as well as to imply to a part of the unlimited divine power. The most important common subject of their ascension is that they ascended with their bodies and souls while they were awake. Methodology involved in this paper is analytical- comparative and its data is collected through library sources and observation of paintings to study the paintings of the ascension of Muhammad and Jesus with regard to the visual and structural elements to identify the aspects of similarity and difference as well as the possibility of mutual influences. One of the main goals of this article is to identify relations between Islamic and Christian arts. Lack of attention to the religious paintings and common themes in the art history of religions makes this study essential. The results of this study show that the structural and visual similarities have not merely originated from the somewhat common theme of ascension, but taking into accountthe later dates of some of the Miraj paintings, emphasizes the possibility that they were created, influenced by the visual elements of the Christian paintings.Despite the fact that most Persian Miraj paintings were influenced by the Christian paintings, in several cases paintings of Ascensionreflect a mutual influence from some of the Miraj paintings in depiction of the Ascension with regard to the elements and composition.

Keywords: Ascension (Miraj), Persian Painting, Christian Paining, Muhammad (PBUH), Jesus.